

چگونه امریکا در پروسه صلح علیه طالبان مکر و دسیسه می کند؟

بعد از توقف کوتاه در گفتگوهای صلح، وزارت خارجه امریکا یک بار دیگر از آغاز دوباره گفتگوها خبر داده است. نماینده خاص امریکا برای صلح افغانستان همین اکنون در قطر بسر می برد و با طالبان گفتگو می کند. چند ماه قبل توافقنامه صلح میان امریکا و طالبان نهایی شده بود، اما ترامپ توسط یک توییت این گفتگوها را متوقف نمود. از همان آغاز تحلیل همین بود که این توقف، شیوهی از فشار بر طالبان است و گفتگوها دوباره از سرگرفته خواهد شد. امریکا خواهان صلح واقعی در افغانستان نبوده، بلکه علیه حرکت طالبان دسیسه می کند.

جنگ افغانستان از کنترل امریکا خارج شده، دوام این جنگ نه تنها امریکا را با شکست نظامی در افغانستان مواجه خواهد کرد، بلکه به سطح جهان از حیثیت و موقف اش کاسته خواهد شد. لذا می خواهد از طریق گفتگوهای صلح از شکست خود جلوگیری کند و منافع سیاسی خود را تامین نماید.

این که امریکا چگونه این دسیسه را به پیش می برد، نکات ذیل می تواند بعضی از ابعاد آن را برملا سازند:

1. امریکا و در کل غرب، توافق و تعهد را چانس و فریب تلقی می کنند؛ اما افغان ها و در کل مسلمان ها آن را ارزش می دانند و بر آن پایبند هستند. لذا امریکا نیت فریب را داشته، اما طالبان در فکر توافقنامه واقعی و مصالحه می باشند.

2. امریکا تجربه دیرینه دیپلوماسی و مذاکرات را داشته، اما طالبان درین مورد فاقد تجربه و حتی تحصیلات درین باره می باشند.

3. قدرت واقعی طالبان نظامی بوده، و جنگجویان آن نیز احساسات اسلامی داشته و بر اساس آن با امریکا جنگ می کنند و تنها رمز و کلید قدرت آن جهاد با امریکاست. ازین رو مردم از آن ها حمایت می کنند. امریکا نیز با درک این واقعیت در پی تضعیف قدرت نظامی طالبان است. چون امریکا با فشار نظامی نتوانست این کار را انجام دهد، لذا اکنون می خواهد از طریق راهکارهای سیاسی آن را متحقق سازد. پس اگر طالبان با امریکا توافق نماید، به شکل طبیعی از حمایت مردمی آن ها کاسته می شود و این بر قدرت نظامی طالبان تاثیر منفی خواهد داشت.

4. دیپلومات های امریکایی در توافقنامه با کلمات و الفاظ بازی می کنند و می خواهند مواردی را در توافقنامه جایجا سازند که از آن تعبیرهای مختلف امکان پذیر باشد، تا در آینده از آن سوء استفاده نمایند.

5. امریکا در توافقنامه با طالبان درج نموده است، که حضور نظامی و استخباراتی خود را در افغانستان به پایان می رساند، اما به شمول دونالد ترامپ اکثر رهبران نظامی امریکا می گویند که بعد از توافقنامه نیز در افغانستان حضور نظامی و استخباراتی خواهند داشت. حتی اگر این حضور نظامی و استخباراتی در افغانستان نیز نماند، باز هم مردم در مقابل طالبان بی اعتماد شده و به افغان ها این ذهنیت را می دهد که طالبان به گونه مخفی

حضور نظامی یا استخباراتی امریکا را پذیرفته است. این چنین امریکا مکر می کند و می خواهد مردم بر طالبان بی اعتماد گردند.

6. امریکا بسیار موارد را در توافقنامه می پذیرد، اما در عمل از آن ممانعت خواهد کرد. یا اینکه برای فسخ توافقنامه توطئه خواهد کرد. به گونه مثال؛ امریکا در توافقنامه تعهد می کند که نیروهای خود را در وقت اضافه تر از یک سال خارج می کند، اما طالبان نباید اجازه دهند که خاک افغانستان علیه امریکا و متحدین شان استفاده گردد. در چنین شرایط اگر امریکا بخواهد، می تواند انفجاری را در غرب طرح ریزی کند و ادعا کند، که این انفجار از خاک افغانستان راه اندازی شده، ازین طریق می تواند توافقنامه را نقض و نیروهای خود را در افغانستان حفظ کند.

7. امریکا بار بار از طالبان تقاضای آتش بس می کند. اگر طالبان جنگ را متوقف سازند، از یک سو در میان صفوف طالبان اختلافات رونما می گردد، چون جناح های مختلف طالبان تنها با جنگ و افکار ضد امریکایی با هم متحد شده اند. از جانب دیگر امریکا فرصت خواهد یافت تا در مناطق طالبان نفوذ کند.

8. از طریق گفتگوها و توافقنامه صلح امریکا می خواهد فکر پیروزی در جنگ را از طالبان سلب نماید. زیرا طالبان به خصوص نظامیان آن فکر می کنند که امریکا را شکست داده و جنگ را می برند. از طریق پروسه صلح، امریکا می خواهد این تصور را تغییر دهد و نشان می دهد که طالبان از طریق زور هیچ چیزی را انجام داده نمی توانند، لذا باید گفتگو کنند و یک سلسله شرایط را باید بپذیرند.

9. امریکا قصد دارد از طریق پذیرش بعضی از شرایط توسط طالبان، به تصویر آن در میان مردم صدمه برساند. به گونه مثال؛ طالبان باید از امارت و امیرالمومنین بگذرند. حقوق بشر و حقوق زن را باید بپذیرند. اگر که طالبان با این همه قید (در چوکات اسلامی) را اضافه می کند، اما باز هم این انعطاف بزرگ در طالبان به شمار می رود.

10. امریکا قصد دارد میان طالبان و مجاهدین غیر افغان فاصله، اختلاف و حتی دشمنی ایجاد نماید. همین که طالبان می گویند خاک افغانستان نباید علیه امریکا و متحدین اش استفاده گردد، به این معنی است که مجاهدین غیر افغان نباید در افغانستان فعالیت کنند. لذا بالای طالبان تحمیل می شود که با القاعده و سایر گروه های مسلح باید قطع رابطه کنند و در افغانستان نباید به آنان جواز فعالیت داده شوند.

پس امریکا عزم خود را جزم کرده، تا برای جلوگیری از شکست نظامی خود، طالبان را از طریق پروسه صلح تضعیف و از اهداف و آرمان های شان کنار زده و در نهایت شکست دهد. این مأمول امریکا در حال تحقق است، مگر این که طالبان از هوش و زیرکی لازم کار گرفته و هرچه زودتر از گفتگوهای جاری دست بکشند و تا شکست امریکا مبارزه خود را ادامه دهند.

سیف الله مستنیر

رئیس دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایه افغانستان